

# ویژگیهای روان‌سنجی مقیاسهای عاطفه مثبت و منفی در یک نمونه ایرانی

## Psychometric Properties of the Positive and Negative Affect Scales in an Iranian Sample

Ali Bakhshi

B. A. Student, University  
of Science and Culture

Fatemeh Daemi

B. A. Student, University  
of science and Culture

فاطمه دائمی

دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی  
دانشگاه علم و فرهنگ

علی بخشی

دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی  
دانشگاه علم و فرهنگ

Bitā Ajilchi

M. A. in Psychology

بی‌تا آجیل‌چی

کارشناس ارشد روان‌شناسی

### Abstract

This study investigated the factor structure, and construct validity of Positive and Negative Affect Scales (Mroczek & Kolarz, 1998) among Iranian students. A sample of 88 male and 117 female students of Tehran University completed the Positive Affect, Negative Affect, Psychological Well-being (Ryff, 1989) and Social Well-being (Keys, 1998) Scales. The results of exploratory factor analyses showed the unidimensional factor structure of the positive and negative scales, but the goodness-of-fit indexes of confirmatory factor analysis were not appropriate, especially for the negative scale. The convergent and discriminate validity (with Psychological Well-being and Social Well-being Scales) and internal consistency of both scales were acceptable.

**Key words:** positive affect scale, negative affect scale, reliability, validity, student.

### چکیده

در این پژوهش ساختار عاملی و روایی سازه مقیاسهای عاطفه مثبت و منفی (مروزک و کولارز، ۱۹۹۸) در دانشجویان ایرانی بررسی شدند. بدین منظور ۲۰۵ دانشجوی دانشگاه تهران (۸۸ مرد و ۱۱۷ زن) علاوه بر مقیاسهای عاطفه مثبت و عاطفه منفی به مقیاسهای بهزیستی روان-شناختی (ریف، ۱۹۸۹) و بهزیستی اجتماعی (کیز، ۱۹۹۸) پاسخ دادند. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی، ساختار عاملی تک بعدی هر دو مقیاس عاطفه مثبت و عاطفه منفی را نشان دادند، اما شاخصهای برازش تحلیل عاملی تأییدی به ویژه برای مقیاس عاطفه منفی مطلوب نبود. روایی همگرا و واگرا (با مقیاسهای بهزیستی روان‌شناختی و بهزیستی اجتماعی) و همسانی درونی هر دو مقیاس مناسب بودند.

**واژه‌های کلیدی:** مقیاس عاطفه مثبت، مقیاس عاطفه منفی، اعتبار، روایی، دانشجو.

Contact information : aa\_ba2006@yahoo.com

received : 15 July 2008

دریافت : ۸۷/۴/۲۴

accepted : 7 June 2009

پذیرش : ۸۸/۳/۱۷

## مقدمه

بسیاری از روان‌شناسان لذت‌گرا<sup>۱</sup> (مانند، رایان و دسی، ۲۰۰۱؛ ریف و سینگر، ۱۹۹۸) معتقدند که بهزیستی به معنای شادکامی فاعلی<sup>۲</sup> و مرتبط با تجربه لذت در برابر تجربه ناخشنودی است. بهزیستی فاعلی<sup>۳</sup> به ارزیابیهای عاطفی و شناختی فرد از زندگی خود اشاره دارد؛ یا به عبارت دیگر در برگیرنده ارزیابیهای شخصی فرد از زندگی خویشتن است (دینر و دینر، ۱۹۹۵). پژوهشها نشان داده‌اند رضایت‌مندی از زندگی در برگیرنده بُعد شناختی بهزیستی فاعلی و مبین قضاوت هشیارانه و کلی فرد در مورد زندگی خود است (دینر، ۱۹۹۴). بعد عاطفی بهزیستی فاعلی که جمع جبری حضور عواطف مثبت و غیاب عواطف منفی در زندگی است، گاهی به صورت طراز عاطفی<sup>۴</sup> در نظر گرفته می‌شود. طراز عاطفی یا طراز لذتی<sup>۵</sup> به «مطلوبیت» منهای «عدم مطلوبیت» زندگی هیجانی فرد اشاره دارد (دینر، ۱۹۹۳). به عبارت ساده‌تر طراز عاطفی میزان غلبه تجربه‌های عاطفی مثبت فرد بر تجربه‌های عاطفی منفی وی را نشان می‌دهد. عاطفه مثبت شامل هیجانهای خوشایند مانند شادی و خوشحالی و عاطفه منفی شامل احساسهای ناخوشایند مانند غم، اضطراب و ترس است (امونز و دینر، ۱۹۸۵). استفاده از نمره طراز عاطفی در مقایسه با مقیاسهای تک بُعدی عاطفه مثبت یا منفی با کنترل سبک پاسخ<sup>۶</sup> مانع از سوگیری افراطی<sup>۷</sup> در پاسخ‌دهندگان می‌شود (شیمک و دینر، ۱۹۹۷). بنابراین در بسیاری از موارد پژوهشگران ترجیح می‌دهند از نمره طراز عاطفی استفاده کنند.

از سوی دیگر بررسی عاطفه مثبت و منفی به عنوان نشانگرهای کنش‌وری مثبت<sup>۸</sup> و کنش‌وری منفی از اهمیت بالایی برخوردار است و یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های رضایت‌مندی از زندگی به حساب می‌آید. اغلب افراد هنگام قضاوت در مورد میزان رضایت‌مندی از زندگی خود، به طراز عواطف منفی و مثبت خود توجه دارند که نشان-

دهنده غلبه احساسهای مثبت آنان بر احساسهای منفی است (شیمک، ردهکریشان، ایشی، زوکوتو و احدی، ۲۰۰۲؛ شیمک، دینر و اویشی، ۲۰۰۲).

بررسی ارتباط پنج ویژگی اصلی شخصیت (جان و سریواستاوا، ۱۹۹۹) با عواطف مثبت و منفی نیز نظر گروه دیگری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است. بر مبنای این بررسیها از میان پنج عامل اصلی شخصیت، برون‌گردی و نورزگرایی<sup>۹</sup> پیش‌بینی‌کننده‌های اصلی طراز لذت هستند و سه ویژگی دیگر (وظیفه‌شناسی<sup>۱۰</sup>، گشودگی نسبت به تجربه‌های جدید<sup>۱۱</sup> و مقبولیت<sup>۱۲</sup>) نقش چندانی در این زمینه ایفا نمی‌کنند (برای مثال، کاستا و مک‌کری، ۱۹۸۰، دینر و لوکاس، ۱۹۹۹، شیمک و دیگران، ۲۰۰۲). با توجه به آنکه برون‌گردی و نورزگرایی منعکس‌کننده تفاوت‌های فردی در پردازش عصب‌شناختی اطلاعات عاطفی هستند و این فرایندهای زیست‌شناختی تا حدی از عوامل ژنتیکی تأثیر می‌پذیرند، می‌توان ثبات بالای طراز لذت در طول زمان را توجیه کرد (لیکن و تلگن، ۱۹۹۶). بنابراین وجود ارتباط بین حالت‌های عاطفی منفی و مثبت و عوامل روانی - اجتماعی مرتبط با سلامت را نیز می‌توان بر مبنای ساختار زیست‌شناختی عواطف مطرح کرد (استبتو، اودانل، مارموت و واردل، ۲۰۰۸).

افزون بر آن، بررسیها نشان داده‌اند که دو بُعد عاطفه (عاطفه منفی و مثبت) از لحاظ آماری از یکدیگر مستقل‌اند (دینر و امونز، ۱۹۸۴؛ واتسون، کلارک و تلگن، ۱۹۸۸) و هر یک به صورت متفاوت با دیگر متغیرها همبستگی دارند (واتسون و دیگران، ۱۹۸۸).

سنجش عواطف منفی و مثبت با استفاده از ابزارهای متعددی صورت گرفته است. یکی از پرکاربردترین این ابزارها مقیاس عاطفه مثبت و مقیاس عاطفه منفی موروزک و کولارز (۱۹۹۸) است. این دو مقیاس زیرمجموعه پرسشنامه تحول میان‌سالی<sup>۱۳</sup> (بریم و فدرمن، ۱۹۹۸) اند که شامل مقیاسهای متنوعی است که در چندین مطالعه ملی

1. hedonic  
2. subjective happiness  
3. subjective well-being  
4. affect balance  
5. hedonic balance

6. response style  
7. extremity bias  
8. positive functioning  
9. neuroticism  
10. conscientiousness

11. openness to new experiences  
12. agreeableness  
13. Midlife Development Inventory

و انحراف استاندارد تقریباً ۲ سال به گونه تصادفی انتخاب شد.

**مقیاسهای عاطفه مثبت و منفی\*** (موروزک و کولارز، ۱۹۹۸): مقیاس عاطفه مثبت دارای ۶ گویه است که شش نشانه عاطفه مثبت (شادی و گشاده‌رویی، سرحالی و با حوصلگی، خوشحالی بیش از حد، آرامش و آسودگی، رضایتمندی و سرزندگی و شور و نشاط) را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (هرگز=۱، تا همیشه=۵)، اندازه‌گیری می‌کند. آزمودنیها باید مشخص کنند که هر یک از شش نشانه مذکور را در طول ۳۰ روز گذشته به چه میزان تجربه کرده‌اند.

مقیاس عاطفه منفی دارای ۶ گویه درباره نشانه عاطفه منفی (غمگینی، نگرانی و اضطراب، بی‌قراری و بی‌تابی، ناامیدی، صرف انرژی زیاد برای انجام کار و احساس بی‌ارزشی) است. از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شود تا بر مبنای مقیاس ۵ درجه لیکرت (هرگز=۱، کمی=۲، بعضی اوقات=۳، اکثر اوقات=۴ و همیشه=۵) مشخص کنند که هر یک از شش نشانه مذکور را در طول ۳۰ روز گذشته به چه میزان تجربه کرده‌اند. نمره کلی فرد با استفاده از جمع نمره شش گویه محاسبه می‌شود. سپس با کم کردن نمره عاطفه منفی از نمره عاطفه مثبت نمره طراز عاطفی فرد به دست می‌آید. در نتایج برخی از پژوهشها ضریب آلفای هر دو مقیاس عاطفه مثبت و منفی برابر با ۰/۸۵ و در برخی دیگر برابر با ۰/۸۶ و ۰/۹۱ به دست آمدند (موروزک و کولارز؛ ۱۹۹۸؛ گروثوالد و دیگران، ۲۰۰۸).

**مقیاس بهزیستی روان‌شناختی:** به منظور سنجش بهزیستی روان‌شناختی از فرم کوتاه مقیاس بهزیستی روان‌شناختی (ریف، ۱۹۸۹، ریف و کیز، ۱۹۹۵) استفاده شد. این مقیاس مشتمل بر ۱۸ گویه برای سنجش شش بُعد بهزیستی روان‌شناختی (خودمختاری<sup>۴</sup>، سلطه بر محیط<sup>۵</sup>، رشد شخصی<sup>۶</sup>، روابط مثبت با دیگران<sup>۷</sup>، هدفمندی در زندگی<sup>۸</sup> و پذیرش خود) است که براساس مقیاس هفت

امریکا به کار رفته است. مواد مقیاس عاطفه مثبت و منفی، بر گرفته از مواد معروف‌ترین و پر کاربردترین مقیاسهای پیشین عاطفه مانند، مقیاس طراز عاطفی (بردبرن، ۱۹۶۹)، زمینه‌یابی عقیده سلامت<sup>۱</sup> (مک‌میلان، ۱۹۵۷)، برنامه بهزیستی عمومی<sup>۲</sup> (فازیو، ۱۹۷۷) و مقیاس افسردگی مرکز مطالعات همه‌گیری‌شناختی (ردلوف، ۱۹۷۷) هستند. مؤلفان با بهره‌گیری از مواد این مقیاسها و روشهای آماری، به تدارک دو مقیاس ۶ گویه‌ای برای سنجش عواطف مثبت و منفی پرداخته‌اند و در سال ۱۹۹۸، این مقیاسها را در یک نمونه ملی ۲۷۲۷ نفری در امریکا اجرا کردند (موروزک و کولارز، ۱۹۹۸؛ گروثوالد، ریف، موروزک و سینگر، ۲۰۰۸). گویه‌ها این دو مقیاس، علاوه بر اختصار، وابسته به فرهنگ خاصی نیستند و قابلیت استفاده در فرهنگهای متفاوت را دارند.

لازم به ذکر است که موروزک و کولارز (۱۹۹۸) به گزارش آلفای این مقیاسها اکتفا کردند و تاکنون هیچ پژوهش دیگری نیز به بررسی ساختار عاملی این دو مقیاس نپرداخته است.

بنابراین در پژوهش حاضر سعی بر آن بود که افزون بر اعتبار (همسانی درونی) برای نخستین بار ساختار عاملی و روایی همگرایی<sup>۳</sup> مقیاسهای عاطفه مثبت و منفی در یک نمونه دانشجویی ایرانی بررسی شود. به منظور بررسی روایی همگرا، همبستگی موجود بین این دو مقیاس با مقیاسهای بهزیستی روان‌شناختی و اجتماعی محاسبه می‌شود و انتظار می‌رود عاطفه مثبت با این دو مقیاس ارتباط مثبت و با عاطفه منفی رابطه منفی داشته باشد.

## روش

از جامعه آماری دانشجویان دختر و پسر دانشکده‌های روان‌شناسی، مدیریت، علوم اجتماعی، فنی و علوم انسانی دانشگاه تهران در مقطع کارشناسی یک گروه نمونه شامل ۲۰۵ دانشجوی (۱۱۷ دختر و ۸۸ پسر) با میانگین سنی ۲۱

1. Health Opinion Survey  
2. General Well-Being Schedule  
3. convergent validity

4. autonomy  
5. environmental mastery  
6. personal growth

7. positive relations with others  
8. purpose in life

\* شایان ذکر است که مقیاس عاطفه مثبت و منفی دو مقیاس مجزاست و در بسیاری از تحقیقات (برای مثال جوشن‌لو و نصرت‌آبادی، ۲۰۰۹) براساس مقتضیات پژوهش، صرفاً یکی از این دو مقیاس به کار گرفته شده است.

درجه‌ای از «کاملاً مخالف» تا «کاملاً موافق» نمره-گذاری می‌شود. در پژوهش حاضر تحلیلها بر مبنای نمره ۱۸ گویه صورت گرفت. ضریب آلفای این مقیاس در پژوهش حاضر برابر با ۰/۷۸ و در پژوهش شلدون (۲۰۰۵) در یک نمونه امریکایی معادل ۰/۷۱ به دست آمده است. **مقیاس بهزیستی اجتماعی:** برای سنجش بهزیستی اجتماعی نیز فرم کوتاه مقیاس بهزیستی اجتماعی (کیز، ۱۹۹۸) به کار رفت. این مقیاس مشتمل بر ۱۵ گویه برای سنجش ۵ بُعد بهزیستی اجتماعی (شامل یکپارچگی اجتماعی<sup>۱</sup>، پذیرش اجتماعی<sup>۲</sup>، مشارکت اجتماعی<sup>۳</sup>، شکوفایی اجتماعی<sup>۴</sup> و انسجام اجتماعی<sup>۵</sup>) است و براساس مقیاس هفت درجه‌ای از «کاملاً مخالف» تا «کاملاً موافق» نمره‌گذاری می‌شود. در پژوهش حاضر از نمره کلی مقیاس که از جمع نمره‌های ۱۵ گویه به دست می‌آید، استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ نشان‌دهنده اعتبار مطلوب این مقیاس (۰/۸۰) بود.

## یافته‌ها

مشخصه‌های آماری ۱۲ گویه مقیاسهای عاطفه مثبت و منفی همراه با نمره طراز محاسبه شد (جدول ۱). کجی و کشیدگی تمامی مواد مقیاسها و نیز نمره‌های کل، کمتر از ۱۲۱ و ضریب آلفای هر دو مقیاس عاطفه مثبت و منفی برابر با ۰/۸۵ به دست آمد و همسانی درونی قابل قبول این دو مقیاس در نمونه ایرانی را نشان داد.

برای بررسی ساختار عاملی مقیاس عاطفه مثبت و منفی از تحلیل عاملی اکتشافی و روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی<sup>۶</sup> با چرخش واریماکس<sup>۷</sup> استفاده شد.

برای تعداد عاملهایی که باید از تحلیل آماری استخراج شوند دو روش به کار رفت؛ در تحلیل اولیه و براساس ارزش ویژه<sup>۸</sup> بالاتر از یک، دو عامل عاطفه مثبت و عاطفه منفی استخراج شد (جدول ۲). در تحلیل دوم برای حصول

اطمینان کامل از تعداد عواملی که باید استخراج شوند روش تحلیل موازی<sup>۹</sup> (واتکینز، ۲۰۰۰) که از روشهای قدرتمند و قابل اطمینان است (هنسون و رابرتز، ۲۰۰۶) به کار رفت. نتایج یکسان بودند و نشان دادند که عامل به دست آمده ۵۸/۰۱ درصد از واریانس عاطفه مثبت (با ارزش ویژه ۳/۴۸) و ۴۷/۴ درصد عاطفه منفی (با ارزش ویژه ۲/۸۴) را تبیین می‌کند. همه گویه‌ها بر روی دو عامل بار عاملی مطلوب داشتند.

نتایج تحلیل عاملی اکتشافی با دو روش استخراج پیشینه درست‌نمایی<sup>۱۰</sup> و عامل‌یابی محور اصلی<sup>۱۱</sup> نیز تکرار شد اما نتایج مشابه روش مؤلفه‌های اصلی بود و شواهدی بر ضد تک بُعدی بودن<sup>۱۲</sup> این دو مقیاس به دست نیامد.

به منظور تأیید عاملهای استخراج شده روش تحلیل عاملی تأییدی نیز با روش پیشینه درست‌نمایی برای هر دو مقیاس به گونه جداگانه نیز به کار رفت. برای بررسی برازش مدل فرضی، شاخصهای برازش<sup>۱۳</sup>  $\chi^2$  و ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA)<sup>۱۴</sup> که برای مدل‌های خوب کمتر از ۰/۰۵ و برای مدل‌های متوسط بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ و برای مدل‌های ضعیف بالاتر از ۰/۱ است (براون و کودک، ۱۹۹۳) بررسی شدند. براساس یک قاعده کلی، شاخصهای برازندگی تطبیقی (CFI)<sup>۱۵</sup>، خوبی برازش (GFI)<sup>۱۶</sup>، نرم‌شده برازندگی (NFI)<sup>۱۷</sup> و نرم‌نشده برازندگی (NNFI)<sup>۱۸</sup> برای مدل‌های خوب بین ۰/۹ تا ۰/۹۵ خواهند بود. هر چه این مقدار به ۱ نزدیکتر باشد نشان از برازش بهتر مدل دارد (مک‌کالوم و آستین، ۲۰۰۰؛ کلاین، ۲۰۰۵). نتایج تحلیل عاملی تأییدی در جدول ۳ و شکل ۱ نمایش داده شده است.

چنانکه در جدول ۳ دیده می‌شود شاخص برازش مربوط به مقیاس عاطفه مثبت مناسب‌تر از شاخصهای مربوط به مقیاس عاطفه منفی است. با آنکه مجذور کای در هر دو مقیاس از لحاظ آماری معنادار و نسبت آن به درجه

1. social integration  
2. social acceptance  
3. social contribution  
4. social actualization  
5. social coherence  
6. principal components

7. varimax  
8. eigenvalue  
9. parallel analysis  
10. maximum likelihood  
11. principal axis factoring  
12. unidimensionality

13. fit indexes  
14. Root Mean Square Error of Approximation  
15. Comparative Fit Index  
16. Goodness of Fit Index  
17. Normed Fit Index  
18. Non-Normed Fit Index

جدول ۱.

اطلاعات توصیفی مربوط به ماده‌ها و نمره‌های کلی مقیاس‌های عاطفه مثبت، منفی و طراز عاطفی ( $n = 205$ )

گویه	M	SD	همبستگی با نمره کل
نمره کل (طراز) مقیاس عاطفه مثبت ( $\alpha = 0/85$ )	۱۸/۳۷	۴/۳۱	
شادی و گشاده‌رویی	۳/۴۶	۰/۸۵	۰/۶۵
سرحالی و باحوصلگی	۳/۲۸	۰/۸۵	۰/۶۷
خوشحالی بیش از حد	۲/۴۱	۰/۹۹	۰/۴۹
آرامش و آسودگی	۳/۰۴	۰/۹۵	۰/۶۳
رضایتمندی	۳/۱۱	۱/۰۴	۰/۶۴
سرزندگی و شور و نشاط	۳/۰۸	۱/۰۱	۰/۷۲
نمره کل (طراز) مقیاس عاطفه منفی ( $\alpha = 0/85$ )	۱۴/۱۲	۴/۳۹	
غمگینی	۲/۳۰	۱/۱۳	۰/۵۱
نگرانی و اضطراب	۲/۸۵	۱/۰۴	۰/۵۵
بی‌قراری و بی‌تابی	۲/۶۰	۱/۰۷	۰/۶۴
ناامیدی	۲/۰۹	۱/۱۵	۰/۶۲
صرف انرژی زیاد برای انجام کار	۲/۸۴	۱/۰۴	۰/۲۷
احساس بی‌ارزشی	۱/۷۰	۱/۰۵	۰/۴۶

جدول ۲.

نتایج تحلیل عاملی اکتشافی مواد مقیاس‌های عاطفه مثبت و منفی

بار عاملی	عاطفه مثبت	عاطفه منفی	ماده
	۰/۷۸	۰/۷۰	۱
	۰/۸۰	۰/۷۲	۲
	۰/۶۲	۰/۸	۳
	۰/۷۶	۰/۷۸	۴
	۰/۷۶	۰/۴۱	۵
	۰/۸۳	۰/۶۴	۶
ارزش ویژه	۳/۴۸	۲/۸۴	
درصد واریانس	۵۸/۰۱	۴۷/۴	

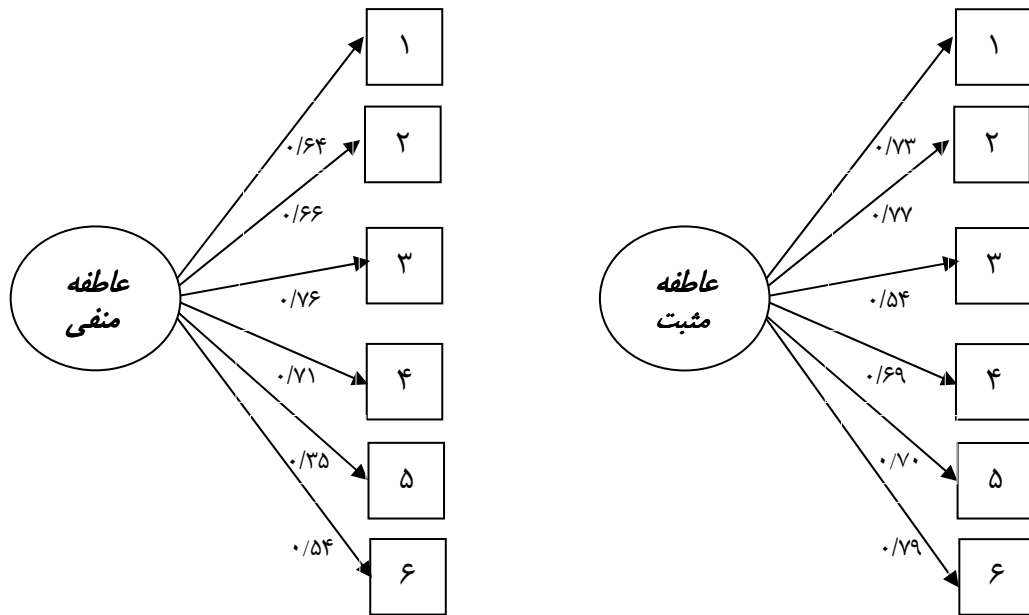
برآورده می‌سازد. با وجود این، مقدار شاخص RMSEA از ۰/۰۵ بالاتر به دست آمده و بیانگر آن است که خطای تقریب در جامعه زیاد است. این مطلب در مورد مدل مقیاس منفی نیز صادق است. افزون بر این در مقیاس عاطفه منفی سایر شاخص‌های برازندگی از برازش کاملی با داده‌ها برخوردار نیستند. به منظور بررسی روایی همگرایی مقیاس‌های عاطفه مثبت و منفی همبستگی آنها با مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی و بهزیستی اجتماعی محاسبه شد. این ضریب برای نمره‌های طراز عاطفی نیز محاسبه شد. طراز عاطفی، یک شاخص مثبت سلامت روانی است و با تکیه بر مبنای نظری، همبستگی آن با سایر متغیرهای بهزیستی باید مثبت باشد.

آزادی نیز بزرگتر از ۲ است اما شاخص‌های GFI، CFI و NFI تنها در مقیاس عاطفه مثبت ملاک‌های برازش را

جدول ۳.

خلاصه شاخص‌های برازندگی مدل تأییدی مقیاس‌های عاطفه مثبت و منفی

CFI	NFI	RMSEA	GFI	$\chi^2/df$	P	d	$\chi^2$	مقیاس عاطفه مثبت
۰/۹۷	۰/۹۶	۰/۱۱	۰/۹۵	۳/۶۵	۰/۰۰	۹	۳۲/۹۲	
۰/۸۹	۰/۸۷	۰/۱۸	۰/۹۰	۷/۵۲	۰/۰۰	۹	۶۷/۷۳	مقیاس عاطفه منفی



شکل ۱. نمودارها و ضرایب استاندارد شده مسیر مقیاسهای عاطفی مثبت و منفی

جدول ۴. میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی بین مقیاسهای عاطفه مثبت، منفی و طراز عاطفی با مقیاسهای بهزیستی روان‌شناختی و اجتماعی

مقیاسها	M	SD	۱	۲	۳	۴
۱- عاطفه مثبت	۱۸/۳۷	۴/۳۱				
۲- عاطفه منفی	۱۴/۱۲	۴/۳۹	-.۰۵۹**			
۳- طراز عاطفی	۴/۲۷	۷/۷۹	۰/۸۹**	-.۰۸۹**		
۴- بهزیستی روان‌شناختی	۹۲/۱۳	۱۲/۷۲	۰/۳۸**	-.۰۴۳**	۰/۴۵**	
۵- بهزیستی اجتماعی	۶۴/۳۹	۱۲/۸۹	۰/۴۳**	-.۰۴۶**	۰/۵۰**	۰/۴۹**

\*\* $P < .01$ .

عواطف مثبت و منفی در پژوهشهای روان‌شناختی داخل کشور و اعتباریابی این مقیاسها. (۲) بررسی ساختار عاملی مقیاسهای عاطفی.

نتایج نشان دادند که همسانی درونی این دو مقیاس در نمونه حاضر از اعتبار مطلوبی برخوردار است (همسانی درونی = ۰/۸۵). نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نیز مبین تک عاملی بودن ساختار هر دو مقیاس بودند. در حالی که تحلیل عاملی تأییدی صرفاً تک عاملی بودن مقیاس عاطفه مثبت را به گونه نسبی تأیید کرد.

به منظور بررسی روایی همگرایی این دو مقیاس، همبستگی آنها با دو مقیاس بهزیستی شامل بهزیستی روان‌شناختی و بهزیستی اجتماعی محاسبه شد. تمام

ضرایب همبستگی مقیاسهای عاطفه مثبت، منفی و طراز عاطفی با دو مقیاس بهزیستی روان‌شناختی و اجتماعی در جدول ۴ داده شده است. تحلیلها نشان می‌دهند که همبستگی بین مقیاسهای عاطفه مثبت و منفی با متغیرهای مورد مطالعه معنادار و در دامنه بین ۰/۴۶ - ۰/۳۸ قرار دارد و با اصول نظری مطرح شده همسو است.

## بحث

در پژوهش حاضر سعی شد تا اعتبار و روایی مقیاسهای عاطفه مثبت و منفی موروزک و کولارز (۱۹۹۸) در یک نمونه دانشجویی ایرانی بررسی شود. نتایج این بررسی از دو جهت حایز اهمیت‌اند: (۱) نیاز به استفاده از مقیاسهای

- Costa, P. T., & McCrae, R. R. (1980).** Influence of extraversion and neuroticism on subjective well-being: Happy and unhappy people. *Journal of Personality and Social Psychology*, 38 (4), 668-678.
- Diener, E. (1993).** Assessing subjective well-being progress and opportunities. *Social Indicators Research*, 31, 103-157.
- Diener, E. (1994).** Assessing subjective well-being: Progress and opportunities. *Social Indicators Research*, 31, 103-157.
- Diener, E., & Diener, M. (1995).** Cross-cultural correlates of life satisfaction and self-esteem. *Journal of Personality and Social Psychology*, 68, 653-663.
- Diener, E., & Emmons, R. A. (1984).** The independence of positive and negative affect. *Journal of Personality and Social Psychology*, 47, 1105-1117.
- Diener, E., & Lucas, R. (1999).** Personality and subjective well-being. In D. Kahneman, E. Diener. & N. Schwarz. (Eds.) *Well-being: The foundations of hedonic psychology* (pp. 213-229). New York: Russell Sage Foundation.
- Emmons, R. A., & Diener, E. (1985).** Factors predicting satisfaction judgments: A comparative examination. *Social Indicators Research*, 16, 157-168.
- Fazio, A. (1977).** *A concurrent validation study of the NCHS General Well-Being Schedule in vital and health statistics publications* (Series 2, No. 73). Washington, DC: U. S. Government Printing Office.
- Gruenewald, T. L., Ryff, C. D., Mroczek, D. K., & Singer, B. H. (2008).** Diverse pathways to positive and negative affect in adulthood and later life: An integrative approach using recursive partitioning. *Development Psychology*, 44 (2), 330-343.
- Henson, R. K., & Robert, G. K. (2006).** Use of exploratory factor analysis in published research :

همبستگیها معنادار و منطبق با مبانی نظری بودند. این نتایج نشان دادند، افرادی که عاطفه مثبت بیشتر و عاطفه منفی کمتری را در طول ۳۰ روز گذشته تجربه کرده بودند، بهزیستی روان‌شناختی، بهزیستی اجتماعی و رضایتمندی از زندگی در آنان بالاتر بود. نتایج تحلیلهای همبستگی نیز روایی همگرایی خوب دو مقیاس را نشان دادند.

به عبارت دیگر، نتایج پژوهش حاضر مبین آن بود که مقیاسهای عاطفه مثبت و منفی در نمونه دانشجویی ایرانی از اعتبار و روایی همگرایی مطلوبی برخوردارند. با توجه به همبستگیهای قوی و معنادار بین این دو مقیاس با سایر مقیاسهای بهزیستی می‌توان گفت که ایجاد موقعیتهایی که به تجربه بیشتر عاطفه مثبت و تجربه کمتر عاطفه منفی منجر شود و یا آموزش مهارتهای هیجانی، از راهبردهای مناسب برای ارتقای بهزیستی افراد محسوب می‌شوند. این نکته به ویژه برای مشاوران و روان‌شناسان بالینی و به طور کلی مسئولان امر سلامت حایز اهمیت است. بی‌تردید پژوهش حاضر از محدودیتهایی نیز برخوردار است: حجم نمونه کم و نیز منحصربودن آن به دانشجویان قابلیت تعمیم نتایج را محدود کرده است و نتایج تحلیل عاملی تأییدی از شاخصهای رضایت‌بخشی برخوردار نبودند. بنابراین، برای موضع‌گیری قاطعانه‌تر در مورد ویژگیهای آماری این دو مقیاس در جامعه ایرانی، انجام پژوهشهای بیشتر در نمونه‌های متنوع‌تر و با حجم بیشتر، ضروری به نظر می‌رسد.

## منابع

- Bradburn, N. M. (1969).** *The structure of psychological well-being*. Chicago: Aldine.
- Brim, Q. G., & Featherman, D. L. (1998).** *Surveying midlife development in the United States*. Unpublished manuscript.
- Brown, M. W., & Cudeck, R. (1993).** Alternative ways of assessing model fit. In K.A.Bollen & J. S. Long (EDs.), *Testing structural equation models* (pp.136-162).Newbury Park, CA: sage.

- Psychology*, 52, 141–166.
- Ryff, C. D. (1989).** Happiness is everything or is it? Explorations on the meaning of psychological well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 57, 1069–1081.
- Ryff, C. D., & Keyes, C. L. M. (1995).** The structure of psychological well-being revisited. *Journal of Personality and Social Psychology*, 69, 719–727.
- Ryff, C. D., & Singer, B. (1998).** The contours of positive human health. *Psychological Inquiry*, 9, 1–28.
- Schimmack, U., & Diener, E. (1997).** Affect intensity: Separating intensity and frequency in repeatedly measured affect. *Journal of Personality and Social Psychology*, 73, 1313–1329.
- Schimmack, U., Diener, E., & Oishi, S. (2002).** Life satisfaction is a momentary judgment and a stable personality characteristic: The use of chronically accessible and stable sources. *Journal of Personality*, 70, 345–385.
- Schimmack, U., Radhakrishnan, P., Oishi, S., Dzokoto, V., & Ahadi, S. (2002).** Culture, personality, and subjective well-being: Integrating process models of life-satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82, 582–593
- Sheldon, K. M. (2005).** Positive value change during college: Normative trends and individual differences. *Journal of Research in Personality*, 39, 209–223.
- Steptoe, A., O'Donnell, K., Marmot, M., & Wardle, J. (2008).** Positive affect and psychosocial processes related to health. *British Journal of Psychology*, 99, 211–227.
- Watkins, M. W. (2000).** *Mac Parallel Analysis* [Computer Software]. PA : State college.
- Watson, D., Clark, L. A., & Tellegen, A. (1988).** Development and validation of brief measures of positive and negative affect: The PANAS scales. *Journal of Personality and Social Psychology*, 54, 1063–1070.
- Common errors and some comment on improved practice. *Educational and Psychological Measurement*, 66 (3), 393–416.
- John, O. P., & Srivastava, S. (1999).** The Big Five trait taxonomy: History, measurement, and theoretical perspectives. In L. A. Pervin & O. P. John (Eds.), *Handbook of personality: Theory and research* (pp. 102–138). New York: Guilford Press.
- Joshanloo, M., & Nosratabadi, M. (2009).** Levels of mental health continuum and personality traits. *Social Indicators Research*, 90, 211–224.
- Keyes, C. L. M. (1998).** Social well-being. *Social Psychology Quarterly*, 61, 121–140.
- Kline, R. B. (2005).** *Principles and practice of structural equation modeling* (2<sup>nd</sup> ed.). New York: Guilford Press.
- Lykken, D., & Tellegen, A. (1996).** Happiness is a stochastic phenomenon. *Psychological Science*, 7 (3), 186–189.
- MacCallum, R. C., & Austin, J. T. (2000).** Applications of structural equation modeling in psychological research. *Annual Review of Psychology*, 51, 201–226.
- MacMillan, A. M. (1957).** The Health Opinion Survey: Techniques for estimating prevalence of psychoneurotic and related types of disorder in communities. *Psychological Reports*, 3, 325–339.
- Mroczek, D. K., & Kolarz, C. M. (1998).** The effect of age on positive and negative affect: A developmental perspective on happiness. *Journal of Personality and Social Psychology*, 75, 1333–1349.
- Radloff, L. S. (1977).** The CES-D scales: A self-report depression scale for research in the general population. *Applied Psychological Measurement*, 1, 385–405.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2001).** On happiness and human potentials: A review of research on hedonic and eudaimonic well-being. *Annual Review of*